

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ : 95/04/13

برنامه حبل المتین

موضوع: برگ‌ی از فضائل شنیدنی مولا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

خلاصه آنچه در این برنامه خواهید دید...

مواظبت از روزهای باقی مانده ماه مبارک رمضان! یکی دو شب بیشتر از این ماه پرفیض و پربرکت باقی نمانده است. ماهی که نفس‌ها ثواب تسبیح دارد، دعاها به اجابت می‌رسد، گناهان مورد بخشش قرار می‌گیرد. بهترین و بالاترین عمل در این دو شب باقی مانده استغفار است. تا می‌توانید نسبت به گناهان گذشته توبه و استغفار کنید و از خداوند عالم طلب مغفرت کنید. همت را بالا ببریم، نه تنها از خداوند عالم طلب مغفرت کنیم؛ بلکه مسئلت کنیم گناهان ما را به حسنات مبدل کند. چه خداوند خوب و مهربانی داریم! (فَأُولَئِكَ يَبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ) آن گاه خدا بدی‌های این گروه را به نیکی‌ها مبدل کند. **سوره فرقان (۲۵): آیه ۷۰**

در آخر دعای استغفار امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است که ایشان می‌فرماید: خدایا از تمام گناهان استغفار می‌کنم و از تو می‌خواهم آن دسته از افرادی که حقی به گردن من دارند، به قدری به آنان کرم کنی تا از من راضی شوند.

آیا عداوت با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، نشانه نفاق است!؟:

دیدگاه «صحيح مسلم»: «قال عليّ والذّي فلق الحبّة وبرأ النّسمّة إنه لعهدُ النّبي الأمّى إلى أن لا يحبّنى إلا مؤمّنٌ ولا يبغضنى إلا مُنافِقٌ»: علی گفت به خدای شکافنده بذر و آفریننده جان سوگند، که این فرمایش پیغمبر در حق من بود که فرمود جز مؤمن کسی من را دوست نمی‌دارد و جز منافق کسی من را دشمن نمی‌دارد. صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۱، ص ۸۶، ح ۷۸

معاویه‌ای که در جنگ صفین ۱۸ ماه با علی جنگید، آیا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را دوست داشت که به جنگ با علی آمده بود؟! آیا علی را اهل بهشت می‌دانست و می‌خواست علی را بکشد تا ایشان را به بهشت بفرستد؟! آیا در جنگ جمل کسانی که شمشیر کشیدند و می‌خواستند امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را بکشند، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را دوست داشتند و از روی عشق و علاقه می‌خواستند ایشان را بکشند؟!!

دیدگاه قرطبی در «تفسیر قرطبی»: «ما روی عن جماعة من الصحابة أنهم قالوا:» از جماعتی از صحابه نقل شده است و گفتند: «ما كنا نعرف المنافقين على عهد رسول الله إلا ببغضهم لعلی علیه السلام» ما صحابه در عصر پیغمبر اکرم زمانی که می‌خواستیم منافقین را بشناسیم، ملاک بغض علی بن ابی طالب بود. الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج ۱، ص ۲۶۷، باب البقرة: (۳۰) وإذ قال ربك

دیدگاه آلوسی در «روح المعانی»: «ما كنا نعرف المنافقين على عهد رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم إلا ببغضهم علی بن ابی طالب» ما در عهد رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) منافقین را با بغض علی بن ابی طالب می‌شناختیم. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوסי البغدادي، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ۲۶، ص ۷۸

دیدگاه «احمد بن ابی بکر البوصیری»: «ومن مات یبغضک مات میتة جاهلیة» هرکسی با بغض تو ای علی بمیرد، با مرگ زمان جاهلیت از دنیا رفته است. إتحاف الخیرة المهرة بزوائد المسانید العشرة، المؤلف: أحمد بن أبی بکر بن إسماعیل البوصیری، المْتُوفی هجرية، الناشر: دار الوطن - الرياض، الطبعة: الأولى - ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹ م، ج ۷، ص ۲۰۲، ح ۶۶۷۲

دیدگاه «حاکم نیشابوری» در «المستدرک»: «یا علی أنت سید فی الدنیا سید فی الآخرة» یا علی تو سرور دنیا و سرور آخرت هستی «حبیبک حبیبی وحبیبی حبیب الله» دوست تو دوست من است و دوست من هم دوست خداست. «وعدوک عدوی وعدوی عدو الله» دشمنان تو دشمن من هستند و دشمن من هم دشمن خداست. «والویل لمن أبغضک بعدی» وای بر کسی که بعد از من با تو دشمنی کند. المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۳۸، ح ۴۶۴۰

دیدگاه عجیب «شمس الدین ذهبی»: آقای «ذهبی» همین روایت را در پاورقی می آورد و در ادامه می گوید: «یشهد القلب انه باطل» قلب من شهادت می دهد این روایت باطل است. میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۹۹۵، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، ج ۱، ص ۲۱۳، ح ۲۹۳

در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد سوم وارد شده است که رسول گرامی اسلام فرمود: «أول من یدخل الجنة أنا وفاطمة والحسن والحسین» اولین کسی که وارد بهشت می شود من و فاطمه و حسن و حسین هستیم. «قلت یا رسول الله فمحبونا» امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: دوستان ما چه زمانی می آیند؟! «قال من ورائکم» حضرت فرمودند: آن ها هم پشت سر شما می آیند. المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو

عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۶۴، ح ۴۷۲۳

آیا محبت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نشانه حلال زادگی است؟! ما در کتب شیعه فراوان داریم که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: زمانی که شما می بینید شیرینی محبت ما در قلب شما هست، به مادرتان دعا کنید!! این روایت به این معناست که شما حلال زاده هستید و مادرتان در حق پدرتان خیانت نکرده است.

در کتاب «جامع الأصول فی أحادیث الرسول» اثر آقای «مجدالدین أبوالسعادات ابن اثیر جزری» است: «إِنْ كُنَّا لَنَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ - نحن معاشر الأنصار - ببغضهم علی بن أبی طالب» به درستی که ما صحابه همواره منافقین را با بغض علی بن ابی طالب می شناختیم. جامع الأصول فی أحادیث الرسول؛ المؤلف: مجد الدین أبو السعادات المبارك بن محمد الجزري ابن الأثير (المتوفى: ۶۰۶هـ)، تحقیق: عبد القادر الأرنبوط، الناشر: مكتبة الحلواني - مطبعة الملاح - مكتبة دار البيان، الطبعة: الأولى؛ ج ۸، ص ۶۴۹۸، باب علی بن أبی طالب

سپس در جای دیگری می گوید: «وَمِنْهُ الْحَدِيثُ «كُنَّا نُبْورُ أَوْلَادَنَا بِحُبِّ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ»» النهاية فی غریب الحدیث والأثر، المؤلف: مجد الدین أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الکریم الشیبانی الجزری ابن الأثير (المتوفى: ۶۰۶ هـ)، الناشر: المكتبة العلمية - بیروت، ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی - محمود محمد الطناحی، ج ۱، ص ۱۶۱، باب (بَوْر)

در کتاب «لسان العرب» جلد چهارم وارد شده است: «نبور» به معنای «نختبر» است؛ ما فرزندان خود را امتحان می کردیم که آیا از نسل ما هستند یا از نسل دیگران هستند، حلال زاده هستند یا حلال زاده نیستند؟! زمانی که می خواستیم آنان را امتحان کنیم، به حب علی بن ابی طالب (علیه السلام) آنان را امتحان می کردیم.

همچنین در کتاب «تاج العروس» اثر آقای «زبیدی» جلد دهم وارد شده است: «(وَبَارَهُ) يَبُورُهُ بَوْرًا: (جَرَّبَهُ) وَاخْتَبَرَهُ، وَمِنْهُ الْحَدِيثُ:»

سپس این حدیث را مطرح می‌کند: «(كُنَّا نَبُورُ أَوْلَادَنَا بِحُبِّ عَلِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ)» زمانی که می‌خواستیم حلال زادگی فرزندان خود را امتحان کنیم، با حب علی بن ابی طالب (علیه السلام) امتحان منی‌کردیم. تاج العروس من جواهر القاموس، اسم المؤلف: محمد مرتضى الحسيني الزبيدي، دار النشر: دار الهداية، تحقيق: مجموعة من المحققين، ج ١٠، ص ٢٥٧، باب بور

در کتاب «مناقب» اثر «ابن مردویه» متوفای ۴۱۰ از «امام شافعی» روایتی وارد شده است که ایشان از «مالک» نقل می‌کند. «قال أنس بن مالك: ما كنا نعرف الرجل لغير أبيه إلا ببغض علي ابن أبي طالب» انس بن مالک می‌گوید: اگر می‌خواستیم ببینیم فرزندی از نسل پدرش نیست، از بغض او نسبت به علی بن ابی طالب می‌فهمیدیم. مناقب علی بن ابی طالب (ع) وما نزل من القرآن فی علی (ع)، نویسنده: أحمد بن موسى ابن مردويه الأصفهاني، تحقيق: عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين، ص ٧٦، ح ٥٧

ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شرط ورود به بهشت! در کتاب «مناقب» اثر آقای «خوارزمی» متوفای ۵۶۸ هجری صفحه ۶۸ وارد شده است که رسول گرامی اسلام به امیرالمؤمنین می‌فرماید: «يا علي لو ان عبدا عبد الله عز وجل مثل ما قام نوح في قومه» یا علی! اگر بنده‌ای به اندازه‌ای که حضرت نوح در قومش بود عبادت کند. «وكان له مثل أحد ذهباً» فأنفقه في سبيل الله» و اگر به اندازه کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق کند، «ومد في عمره حتى حج الف عام على قدميه ثم قتل بين الصفا والمروة مظلوما» و خداوند عمرش را به قدری طولانی کند که هزار بار به زیارت خانه خدا پیاده برود و بین صفا و مروه مظلومانه شهید شود، «ثم لم يوالك يا علي لم يشم رائحة الجنة

ولم يدخلها» اما ولایت تو را نداشته باشد، اصلاً بوی بهشت به مشامش نمی‌رسد و داخل بهشت نمی‌شود. المناقب،

نویسنده: الموفق الخوارزمی، تحقیق: الشیخ مالک المحمودی، ص ۶۸، ح ۴۰

«ولو أن عبدا عبد الله عز وجل بين الصفا والمروة ألف عام ثم ألف عام ثم ألف عام» اگر بنده‌ای خدا را بین صفا و مروه

هزار سال عبادت کند، سپس هزار سال دیگر عبادت کند، سپس هزار سال دیگر هم عبادت کند، «ولم يدرك محبتنا

لأكبه الله على منخریه فی النار» و محبت ما اهل بیت را نداشته باشد، خداوند عالم او را با سر وارد آتش جهنم

می‌کند. «ثم تلا (قل لا أسألكم عليه أجرا إلا المودة فی القربى)» سپس آیه شریفه (قل لا أسألكم عليه أجرا إلا المودة

فی القربى) را تلاوت فرمودند. تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبی القاسم علی

بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن

غرامة العمری، ج ۴۱، ص ۳۳۵، ح ۴۸۵۱

آقای «جوینی» که استاد آقای «ذهبی» است و متوفای ۷۳۰ است، در کتاب «فرائد السمطین» تعبیر زیبایی دارد. او

می‌نویسد: "خداوند عالم در قیامت تمام خلائق اولین و آخرین را جمع می‌کند و بر بالای جهنم پلی را می‌گذارد که از

مو باریک‌تر از و شمشیر برنده‌تر است." «لم یجز بها أحد إلا من كانت معه براءة بولاية علی بن أبی طالب علیه

السلام» کسی از آن پل عبور نمی‌کند مگر اینکه کسی برائت نامه نجات از آتش جهنم با ولایت علی بن ابی طالب

(علیه السلام) را داشته باشد. فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الأئمة من ذریتهم علیهم السلام؛

حمّوی جوینی، ابراهیم بن سعد الدین (م ۷۳۰)، مؤسسه المحمود، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ هـ. ق؛ ج ۱، ص ۲۸۹

تفصیل مطالب این برنامه

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

عرض سلام و ادب و احترام خدمت شما خوبان، بینندگان عزیز «شبکه جهانی ولایت». در این روزها و ایامی که در روزهای پایانی ماه مبارک رمضان هستیم؛ امیدوارم اعمال، عبادات و روزه شما مقبول درگاه احدیت واقع شده باشد. بینندگان «شبکه جهانی ولایت» که با ما همراه هستید، ان شاءالله در این روزها نسبت به ایام گذشته احساس خسران نکنید. اگر خدای نکرده این حس در وجود هرکدام از ما وجود دارد، بکوشیم در همین ایام پایانی که باقی مانده است، جرعه‌ای از دریای کرم الهی بنوشیم.

امشب با برنامه «حبل المتین» مهمان منازل شما هستیم، قرار است باز هم به فضائل آقا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) و مطالبی از این قبیل پردازیم.

ان شاءالله این مطالب، سطح معرفت شما را نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به خصوص وجود مقدس حضرت فاروق اعظم و صدیق اکبر آقا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) افزایش بدهد.

امشب هم افتخار این را داریم که طبق معمول برنامه‌های گذشته «حبل المتین»، در خدمت استاد عزیز و ارجمند آیت الله دکتر سید محمد حسینی قزوینی باشیم.

به نیابت از شما عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت حضرت استاد و امیدوارم ان شاءالله عباداتشان مقبول درگاه احدیت واقع شده باشد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز، گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این کره خاکی بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند خالصانه‌ترین سلام را همراه با آرزوی موفقیت بیش از پیش تقدیم می‌کنم.

خدا را قسم می‌دهم به آبروی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرج مولای ما ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نزدیک نموده، همه ما و شما را از یاران و ملازمین و سربازان فداکار آن نازنین وجود قرار بدهد. از خداوند متعال می‌خواهیم حوائج ما و شما گرامیان را برآورده نموده، دغدغه‌های فکری ما را برطرف سازد و دعا‌های ما را به اجابت برساند ان‌شاءالله.

مواظبت از روزهای باقی مانده ماه مبارک رمضان!

همان‌طوری که عزیزم اشاره کردند یکی دو شب بیشتر از این ماه پرفیض و پربرکت باقی نمانده است. ماهی که نفس‌ها ثواب تسبیح دارد، دعاها به اجابت می‌رسد، گناهان مورد بخشش قرار می‌گیرد.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: شیاطین در این ماه همگی با غل و زنجیر بسته شده‌اند. از خداوند متعال بخواهید که آنان را تا ابد بر شما مسلط نکنند.

در این ماه درهای جهنم بسته است، از خداوند بخواهید تا ابد به روی شما بسته بماند. در این ماه درهای بهشت باز است، از خداوند متعال بخواهید که آن را به روی شما نبندد.

بهترین و بالاترین عمل در این دو شب باقی مانده استغفار است. تا می‌توانید نسبت به گناهان گذشته توبه و استغفار کنید و از خداوند عالم طلب مغفرت کنید. همت را بالا ببریم، نه تنها از خداوند عالم طلب مغفرت کنیم؛ بلکه مسئلت کنیم گناهان ما را به حسنات مبدل کند.

چه خداوند خوب و مهربانی داریم!

فَأُولَئِكَ يَبْدَلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ

آن گاه خدا بدی‌های این گروه را به نیکی‌ها مبدل کند.

سوره فرقان (۲۵): آیه ۷۰

چه بسا غیبتی یا دروغی از ما سرزده است یا جفا و ظلمی از ما صادر شده است، اگر واقعاً توبه کنیم و از خداوند مهربان، رثوف و کریم درخواست کنیم؛ همان گناه را به چندین برابر ثواب تبدیل می‌کند.

فردای قیامت پرونده را باز می‌کنیم و می‌بینیم در نامه اعمال ما ثواب ۵۰ زیارت خانه خدا، ۱۰۰ زیارت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و ۵۰ سال روزه مستحبی نوشته است. خطاب به خداوند می‌گویید: خدایا من چنین کارهایی نکرده‌ام شاید در پرونده اشتباه شده است!!

ملائکه می‌گویند: در شب ماه مبارک رمضان از خداوند درخواست کردی که گناهانت را به چندین برابر حسنات مبدل کند. اعمالی که در پرونده شما نوشته شده است، نتیجه همان دعاست.

حساب کنید در آن لحظه چقدر خوشحال و مسرور می‌شویم. تا می‌توانیم باید از فرصتی که باقی مانده است استفاده کنیم و برای یکدیگر دعا کنیم.

اگر کینه‌ای نسبت به برادران دینی در دل داریم، از دل بیرون ببریم. اگر حقی از دیگران بر گردن ما هست ببخشیم تا خداوند عالم هم حق خودش را بر ما ببخشد. حق الناس، دست خداوند متعال نیست و باید حتماً شخص راضی شود.

در آخر دعای استغفار امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است که ایشان می‌فرماید: خدایا از تمام گناهان استغفار می‌کنم و از تو می‌خواهم آن دسته از افرادی که حقی به گردن من دارند، به قدری به آنان کرم کنی تا از من راضی شوند.

خداوند عالم به قدری کریم و مهربان است که اگر فردا یک بنده خوب در خانه او برود و حق الناس به گردن او باشد، واسطه می‌شود تا صاحبان حق از طرف راضی شوند.

خلاصه در آن دنیا بده بستان وجود دارد. وقتی که شخص می‌بیند خداوند پاداش کلانی به او می‌دهد، او هم می‌گوید:

"اگر این شخص را نبخشم، باید او برود چند سال در جهنم بماند. چه فایده‌ای برای من دارد؟!"

زمانی که شخص می‌بیند در ازای ببخشیدن پاداش بزرگ و گسترده‌ای نصیب او می‌شود، می‌گوید: "خدایا از این

بنده‌ای که حق به گردن من داشت راضی شدم!!"

بنابراین عزیزان همین یکی دو شب باقی است. اگر فردا ماه را از پشت کوه بیرون نکنند، ظاهراً با توجه به قراین

چهارشنبه عید است. ما به هیچ وجه روز عید را از اول معین نمی‌کنیم؛ زیرا رسول گرامی اسلام فرمود:

«صُمْ لِلرُّؤْيَةِ وَ أَفْطِرْ لِلرُّؤْيَةِ»

با دیده ماه روزه بگیری و با دیدن ماه روزه را افطار کنی.

بحار الأنوار؛ مجلسی، محمد باقر، ج ۹۳، ص ۳۰۵، ح ۱۹

اگر ثابت نشود که چهارشنبه عید است، چهارشنبه را هم روزه می‌گیریم و هیچ مشکلی نداریم. اگر ثابت شود که

سه‌شنبه عید است، سه‌شنبه هم روزه افطار می‌کنیم و هیچ مشکلی نداریم.

ما تابع دستور رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) هستیم. ما همانند بعضی از کشورهای عربی نیستیم که از سه چهار ماه قبل اعلام می‌کنند که فلان روز، روز عید است و مردم در فلان جا برای نماز بیایید.

زمانی که خلاف نظر آنان مبنی بر اعلام روز عید ثابت می‌شود، می‌گویند: دولت عربستان باید کفاره تمام مردمی که روز خود را افطار کرده‌اند، بدهد و کفاره را هم از بیت المال می‌دهد.

من در خدمت شما هستم.

مجری:

استاد از شما متشکرم. از همراهی شما بینندگان عزیز ممنونم که مثل همیشه با دقت است. همچنین از نظراتی که برای ما ارسال می‌کنید ممنونیم؛ پیشنهادات و انتقادات شما قطعاً برای ما سازنده است.

پیامک‌های شما اگر هم در برنامه تک تک قرائت نشود، مطمئن باشید پس از برنامه مورد دقت و تأمل واقع می‌شود. آن دسته از عزیزانی که در جلسات گذشته با ما همراه بودند، می‌دانند بحثی که با حضرت استاد داشتیم در خصوص فضائل آقا امیرالمؤمنین بود.

در این زمینه مسائل و مطالبی از کتب اهل سنت گفته شد که شاید عامه اهل سنت در جریان بسیاری از آنان قرار نگرفتند و نمی‌دانند، به آنان گفته نشده است و یا خودشان پیگیری نکردند.

«شبکه جهانی ولایت» مطالبی راجع به فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از کتب اهل سنت به صورت تصویر کتاب‌ها تقدیم حضور آنان کرد و آنانی که به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) محبت داشتند، محبتشان افزایش پیدا کرد.

کسانی که نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بغض داشتند، بغض و کینه و عداوتشان را نسبت به خودشان برای آینده خودشان بیشتر شد، زیرا این افراد به خودشان ظلم می‌کنند.

این افراد به هر شکل و صورتی عداوت خودشان را نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بروز می‌دهند.

خلاصه مطالب جلسه گذشته!

دوست دارم حضرت استاد خلاصه‌ای از آنچه در جلسات قبل گفته شد بفرمایند بعد ان شاءالله طرح سؤال جدید کنیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلوة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر.

عصاره و مهم مباحثی که ما در رابطه با شخصیت بزرگوار امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تحت عنوان فضایل بی نظیر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مطرح کردیم را بیان خواهیم کرد.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: اگر بیم آن نداشتیم که مسلمانان در حق علی بن ابی طالب همانند مسیحیان در حق عیسی مسیح غلو کنند، سخنی می‌گفتم که مسلمانان خاک زیر پای علی را به عنوان تیمن و تبرک بردارند.

روایتی از «احمد بن حنبل» خواندیم که فتوای شخصی خود او بود. او گفت: روایاتی که با اسانید صحیح در حق علی بن ابی طالب آمده است، در حق هیچ یک از صحابه نیامده است. علی بن ابی طالب از اهل بیتی است که قابل مقایسه با هیچ کسی نیستند.

روایاتی را از «ابن عباس»، «حذیفه» و «عایشه» خواندیم مبنی بر اینکه:

«قال رسول الله علی خیر البشر من ابی فقد کفر»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است: علی بهترین بشر است هرکس زیر بار نرود کافر یا منافق است.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها وتسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۴۲، ص ۳۷۲، فی آباء من اسمه علی.

سپس در ادامه بیان کردیم که تمام آیاتی که مؤمنین را مدح کرده است، به کاری دعوت کرده است یا از کاری نهی کرده است علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین و شریف المؤمنین است.

سپس بحث آیه مباحله را مطرح کردیم که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) جان پیغمبر اکرم است.

روایات متعددی از رسول گرامی اسلام و دیگر صحابه آوردیم که هر موقع از فضیلت صحابه و خلفا سؤال می کنند و اسم ابوبکر و عمر و عثمان را می آورند، می گویند: علی نفس پیغمبر اکرم است، جان پیغمبر اکرم است؛ از جان کسی سؤال نمی کنند.

سپس در جلسه گذشته بحثی داشتیم که در نتیجه کار شجره ملعونه در قرآن، بنی امیه جو وحشتناکی در جامعه ایجاد شده بود که صحابه و تابعین از نقل احادیث ولایت خودداری می‌کردند و وحشت داشتند.

در ادامه روایتی از «عبدالله بن شداد» یکی از بزرگان اهل سنت نقل کردیم که او گفت: من حاضر یک روز از اول نماز صبح تا ظهر فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را در بالای منبر مطرح کنم و در آخر گردن من را بزنند.

این روایات به خوبی نشانگر این است که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تا این اندازه مظلوم بوده است و جامعه تشنه نقل فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بوده است. این روایت در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد ۳ صفحه ۴۸۹ موجود است.

جناب آقای حسینی عزیز مباحث گذشته ما تا اینجا رسید.

مجری:

استاد عزیز از شما ممنونم. امشب که سؤالات باز در مورد فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است و ان شاءالله مطرح خواهم کرد.

سؤال در ذهنم است و آن هم این است که آیا اهل سنت روایتی با سند صحیح مبنی بر اینکه عداوت با امیرالمؤمنین نشانه نفاق باشد، دارند؟!

آیا عداوت با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، نشانه نفاق است؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اولاً این قضیه در کتاب «صحيح مسلم» آمده است و آقایان مدعی هستند که روایات کتاب «صحيح مسلم» احتیاجی به بررسی سندی ندارد.

دیدگاه «صحيح مسلم»:

در کتاب «صحيح مسلم» وارد شده است:

« قَالَ عَلِيٌّ وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ إِنَّهُ لَعَنَهُ النَّبِيُّ الْأُمِّيُّ إِلَى أَنْ لَا يَحِبَّنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَبْغِضَنِي إِلَّا مُنَافِقٌ »

علی گفت به خدای شکافنده بذر و آفریننده جان سوگند، که این فرمایش پیغمبر در حق من بود که فرمود جز مؤمن کسی من را دوست نمی‌دارد و جز منافق کسی من را دشمن نمی‌دارد.

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي -

بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ١، ص ٨٦، ح ٧٨

کسانی که دشمنی امیرالمؤمنین در دل دارند، کسانی که مانع نقل فضایل امیرالمؤمنین می‌شوند و کسانی که طرح ترور امیرالمؤمنین را می‌کشند، کسانی که از دیدن زیارتگاه امیرالمؤمنین زجر می‌کشند و شروع به شبهه‌افکنی می‌کنند؛ جزو منافقین هستند!

به فرموده قرآن کریم:

(إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ)

منافقان در طبقه زیرین جهنم‌اند.

سوره نساء (٤): آیه ١٤٥

منافقین ته جهنم می‌روند که بدترین و سوزناک‌ترین جای جهنم است. ان‌شاءالله دوستان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به بهشت می‌روند و روزی پرده کنار می‌رود و می‌بینند کارشناسان شبکه‌های شیطانی در اسفل جهنم می‌سوزند.

ان‌شاءالله محبان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از همان بالا شماتت می‌کنند و به دشمنان امیرالمؤمنین طعنه می‌زنند و می‌گویند:

"دیدید ما گفتیم با علی دشمنی نکنید گرفتار آتش می‌شوید! با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دشمنی کردید و حرف ما را گوش نکردید، الان نتیجه کارهایتان را بچشید!!"

«كَلَّمَا نَضَجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا»

هر گاه پوستهای تن آنها (در آن) بریان گردد (و بسوزد) پوستهای دیگری به جای آن قرار می‌دهیم

سوره نساء(۴): آیه ۵۶

از تمام مردمی که صحبت مرا می‌شنوید، اعم از شیعه و اهل سنت تقاضا می‌کنم که حرف من را در ذهن مبارکشان داشته باشید. ان‌شاءالله اگر آنجا همدیگر را دیدیم من می‌گویم: در شب بیست و هشتم ماه رمضان ۱۳۹۵ من این مطلب را گفتم!

ما به طرفداران «ابن تیمیه» ناصبی اعلام کردیم که عاقبت شما درک اسفل آتش جهنم است و جای شما در «اسفل السافلین» است. مادامی که کار از کار نگذشته است، از خر شیطان پایین بیایید و دشمنی با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را کنار بگذارید.

والله اميرالمؤمنين مهربان، رؤوف و بخشنده است. قطعاً اگر خالصانه برگردید، اميرالمؤمنين شما را می‌بخشد و از خداوند عالم هم برای شما طلب بخشش می‌کند و همچنین رسول گرامی اسلام هم برای شما از خداوند متعال طلب بخشش می‌کند.

دل ما به حال شما می‌سوزد؛ حال که قبول ندارید یا علی! این میدان و این شما، فردای قیامت در آن گیر و دار این مطلب را به شما خواهیم گفت. والله پشیمان می‌شوید، بالله پشیمان می‌شوید.

قسم به تمام اسماء الهی فردای قیامت پشیمان خواهید شد و می‌گویید: "به ما گفتند که دست از عداوت علی بردارید و از «ابن تیمیه» فاسق و کاذب و ناصبی دست بردارید، اما ما گوش نکردیم!"
خوشا به حال کسانی که امشب صدای ما را می‌شنوند و عرض ما را هم قبول می‌کنند.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم

تو خواه از سخنم پند گیر، خواه ملال

در کتاب «صحيح مسلم» هم وارد شده است:

«ولا يبغضني إلا مُنافقٌ»

صحيح مسلم ، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري ، دار النشر : دار إحياء

التراث العربي - بيروت ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي، ج ١، ص ٨٦، ح ٧٨

معاويه‌ای که در جنگ صفین ۱۸ ماه با علی جنگید، آیا اميرالمؤمنين علی (علیه السلام) را دوست داشت که به جنگ با علی آمده بود؟! آیا علی را اهل بهشت می‌دانست و می‌خواست علی را بکشد تا ایشان را به بهشت بفرستد؟!

آیا در جنگ جمل کسانی که شمشیر کشیدند و می‌خواستند امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را بکشند، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را دوست داشتند و از روی عشق و علاقه می‌خواستند ایشان را بکشند؟!

دیدگاه قرطبی در «تفسیر قرطبی»:

مورد دیگر در کتاب «تفسیر قرطبی» است که ایشان متوفای ۶۷۱ است. ایشان می‌گوید:

«ما روی عن جماعة من الصحابة أنهم قالوا:»

از جماعتی از صحابه نقل شده است و گفتند:

«ما كنا نعرف المنافقين على عهد رسول الله إلا ببغضهم لعلی علیه السلام»

ما صحابه در عصر پیغمبر اکرم زمانی که می‌خواستیم منافقین را بشناسیم، ملاک بغض علی بن ابی طالب بود.

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج ۱، ص ۲۶۷، باب البقرة: (۳۰) وإذ قال ربك... ..

این روایت به صراحت بیان می‌کند که در عصر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) اگر کسی بغض امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) داشت از منافقین به حساب می‌آمد و اگر کسی محبت علی (علیه السلام) را در دل داشت، مؤمن به حساب می‌آمد.

دیدگاه آلوسی در «روح المعانی»:

همچنین آقای «آلوسی» در کتاب تفسیر «روح المعانی» جلد ۲۶ صفحه ۷۸ از «ابن مسعود» نقل می‌کند:

«ما كنا نعرف المنافقين على عهد رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم إلا يبغضهم على بن أبي طالب»

ما در عهد رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) منافقین را با بغض علی بن ابی طالب می شناختیم.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود

الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ۲۶، ص ۷۸

دیدگاه «احمد بن ابی بکر البوصیری»:

همچنین جناب آقای «بوصیری» از علمای بزرگ اهل سنت متوفای ۸۴۰ هجری است که ایشان معاصر آقای «ابن

حجر عسقلانی» متوفای ۸۵۲ و همچنین معاصر آقای «بدرالدین عینی» است.

ایشان در کتاب «اتحاف الخيرة المهرة» جلد ۷ صفحه ۲۰۲ روایتی را نقل می کند و تا جایی که می نویسد:

«ومن مات يبغضك مات ميتة جاهلية»

هرکسی با بغض تو ای علی بمیرد، با مرگ زمان جاهلیت از دنیا رفته است.

إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة، المؤلف: أحمد بن أبي بكر بن إسماعيل البوصيري، المُنَوَّفَى هجرية،

الناشر: دار الوطن - الرياض، الطبعة: الأولى - ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹م، ج ۷، ص ۲۰۲، ح ۶۶۷۲

مرگ زمان جاهلیت هم بسیار واضح و روشن است.

دیدگاه «حاکم نیشابوری» در «المستدرک»:

در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» جلد دوم روایت جالبی بیان شده است. از عزیزان اهل سنت خواهش می کنم

که به این روایت خوب دقت کنند. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«يا على أنت سيد في الدنيا سيد في الآخرة»

يا على تو سرور دنيا و سرور آخرت هستی

«حبیبک حبیبی وحبیبی حبیب الله»

دوست تو دوست من است و دوست من هم دوست خداست.

به قدری این روایت زیباست که به قول آقای اسماعیلی جگر انسان خنک می‌شود و می‌خواهد از خواندن آن بال دربیآورد.

«وعدوک عدوی وعدوی عدو الله»

دشمنان تو دشمن من هستند و دشمن من هم دشمن خداست.

«والویل لمن أبغضک بعدی»

وای بر کسی که بعد از من با تو دشمنی کند.

«ویل» در حقیقت نام یکی از چاه‌های آتش جهنم است. زمانی که یک جهنمی را داخل آن چاه می‌اندازند، هفتاد هزار سال طول می‌کشد تا بدن او به ته چاه برسد.

آن چاه مخصوص دشمنان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و باقی‌مانده‌های نسل بنی امیه است که امروز در رسانه‌ها یا فضای مجازی علیه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) صحبت می‌کنند و فضایل و حرم ایشان را انکار می‌کنند.

ان شاء الله خواهیم دید خداوند عالم این افراد را در داخل همین آتش و همین چاه خواهد انداخت. آقای «حاکم نیشابوری» می‌گوید:

«صحيح على شرط الشيخين»

این روایت صحیح است و شرایط صحیح بخاری و صحیح مسلم را هم دارد.

المستدرک على الصحيحين، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص ١٣٨، ح ٤٤٤٠

دیدگاه عجیب «شمس الدین ذهبی»:

همچنین در کتاب «میزان الاعتدال» اثر آقای «ذهبی» است. در جلد اول صفحه ۲۱۳ همین روایت را در پاورقی می‌آورد و در ادامه می‌گوید:

«يشهد القلب انه باطل»

قلب من شهادت می‌دهد این روایت باطل است.

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٩٩٥، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ علی محمد معوض والشيخ عادل أحمد عبدالموجود، ج ١، ص ٢١٣، ح

٢٩٣

حق هم همین است؛

(فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا)

در دلهاشان مرضی است پس خدا بکیفر نفاقشان آن بیماری را زیادتر کرد.

سوره بقره (۲): آیه ۱۰

قلبی که مریض است آلوده به افکار «ابن تیمیه» است و «ابن تیمیه» را استاد خودش معرفی می‌کند؛ بیشتر از این هم نخواهد بود. «ابن تیمیه»، «ذهبی» و «ابن کثیر» با هم در یک عصر بودند که به شاگردی «ابن تیمیه» افتخار می‌کنند.

این هم یکی از موارد فتنه «ابن تیمیه» است که «ذهبی» را آلوده و بیچاره و بدبخت کرده است که چنین چیزی می‌گوید. اگر اشکال سندی دارد، بگویید فلان راوی اینچنین گفته است. اگر اشکال دلالی دارد بگویید با آیات قرآن و روایات متواتر و مشهور نمی‌سازد.

اینکه می‌گویید: "یشهد القلب انه باطل" آیا در قرآن، سنت یا سیره صحابه داریم که شهادت قلب یکی از ملاک‌های صحت روایت و عدم صحت روایت باشد؟!

مجری:

در جرح و تعدیل آقایان هم نداریم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله در جرح و تعدیل هم نداریم، در کتب رجالی هم نیاوردند که بگویند: بروید آثار «یحیی بن معین» و «ابن ابی حاتم رازی» و «ابن حجر عسقلانی» و حتی خود «ذهبی» است!! آیا «ذهبی» در جایی گفته است که یکی از مجروحات عبارت از شهادت قلب بر بطلان است؟!

آقای «حاکم نیشابوری» می‌گوید: این روایت صحیح است و شرایط «صحیح مسلم» و «صحیح بخاری» را دارد، اما ایشان می‌گویند: «یشهد اقلب أنه باطل»؛ خیلی عجیب است!

حالا که به اینجا رسیدید، اجازه بدهید این روایت را هم به دوستان نشان بدهیم. در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد سوم وارد شده است که رسول گرامی اسلام فرمود:

«أول من يدخل الجنة أنا وفاطمة والحسن والحسين»

اولین کسی که وارد بهشت می‌شود من و فاطمه و حسن و حسین هستیم.

«قلت يا رسول الله فمحبونا»

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: دوستان ما چه زمانی می‌آیند؟!

«قال من ورائكم»

حضرت فرمودند: آن‌ها هم پشت سر شما می‌آیند.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطاء، ج ۳، ص ۱۶۴، ح ۴۷۲۳

کاملاً مشخص است که «ذهبی» دوست امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیست و باید طعنه‌ای به ایشان بزند. «حاکم نیشابوری» می‌گوید:

«صحیح الإسناد ولم یخرجاه»

این روایت صحیح السند است اما «صحیح مسلم» و «صحیح بخاری» آن را نیاوردند.

اما «ذهبی» می‌گوید:

«و الحدیث منکر من القول یشهد القلب بوضعه»

قلب من شهادت می‌دهد این روایت جعلی است.

هزاران لعنت بر این قلب که این‌طور شهادت بدهد. آقای «ذهبی»! قلب شما به روایاتی که در مورد ابوبکر و عمر و عثمان و عایشه و دیگر صحابه است، هم‌چنین شهادت می‌دهد؟! یا تنها زمانی که به امیرالمؤمنین و اهل بیت می‌رسد، چنین شهادت می‌دهد؟!

آقای «ذهبی» قلب شما باید هم این‌طور شهادت بدهد، زیرا از محبین این بزرگواران نیستید. با توجه به این مطالب قلب شما باید هم چنین شهادت دهد. غیر از این چیز دیگری نیست!!

از کوزه همان برون تراود که در اوست!

در این زمینه حرف زیاد دارم. من با این افرادی که واقعاً به این صورت با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مبارزه کردند و چنین دشمنی خودشان را با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) اثبات کردند، حرف زیاد دارم؛ اما این مطالب را به وقت دیگری بگذاریم.

آیا ادعای آقایانی که مدعی هستند که ما امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را دوست داریم و می‌خواهیم میان آل و صحابه جمع کنیم، واقعیت دارد؟! ما از خداوند می‌خواهیم که در کره زمین یک نفر دشمن امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نباشد!

ما این را از خدا می‌خواهیم؛ اما باید ببینیم واقعیت چه چیزی است! بنده طی تحقیق گسترده‌ای که داشتم، دیدم آنچه در طول تاریخ اتباع «ابن تیمیه» یا بعضی از بزرگان اهل سنت بناى عداوت با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) گذاشتند بیهوده بوده است.

بنده با توجه به مسافرت‌هایی که داشتم و این همه با اهل سنت حشر و نشر داشتیم، ندیدم که یک سنی امروز بگوید: "من علی را دوست ندارم!"

الحمدلله جو امروز خیلی خوب است و سطح فکر مردم بالا رفته است، حقایق روشن شده است و اهل سنت گوش به حرف امثال شیطان بزرگ «ابن تیمیه» و «ذهبی» که قلبشان مریض است نمی‌دهند؛ من به این مطالب یقین دارم.

اگر ما مقداری به گذشته برسیم، آثار شوم دودمان نحس «بنی امیه» و پس از او نسل «ابن تیمیه» و امروز هم که ذریه‌های نسل «بنی مروان» و «بنی امیه» در شبکه‌های وهابی و فضای مجازی جولان می‌دهند.

من در خدمت شما هستم.

مجری:

حضرت استاد از شما متشکرم. اشاره‌ای به انکار فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از جانب برخی افراد با بهانه‌های مختلف و واهی داشتید.

برخی از افراد ادعا دارند که ما دشمنی و عداوتی با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و اهلبیت نداریم، اما این‌ها منکر فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌شوند. این افراد فضایل یقینی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را انکار می‌کنند. آیا انکار فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) جزو نصب و نفاق به حساب می‌آید یا خیر؟!

آیا انکار فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نشانه ناصبی بودن است؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در این رابطه هم شکی وجود ندارد. آقای «حسن بن فرحان مالکی» به صراحت می‌گوید: "انکار فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) یا انکار روایت ایشان نشانه ناصبی بودن است."

این شخص از علمای بزرگ اهل سنت عربستان سعودی است، مالکی مذهب است و مشرب صوفی دارد و از شاگردان جناب «بن علوی مالکی» بوده است. ایشان کتابی به نام «نحو إنقاذ التاريخ الإسلامي» که در صفحه ۲۹۸ به صراحت می‌نویسد:

"تضعیف روایاتی که در فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است در حقیقت یک نوع نصب است. اگر کسی تضعیف روایات فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) کند و در تحقیق به این نتیجه رسیده است، خطا کرده است." اگر کسی از اول تلاش می‌کند که به نوعی روایت را از اول تضعیف کند و نمی‌تواند آن را بپذیرد، قطعاً این شخص ناصبی است و در او هیچ شکی نیست.

من در خدمت شما هستم.

مجری:

استاد از شما متشکرم. خیلی از آقایان در رسانه‌ها ادعا دارند که محبت اهل بیت (علیهم السلام) را دارند، اما زمانی که به هر کدام از فضایل می‌رسند سعی می‌کنند آن فضایل را انکار کنند.

این افراد به هر نحوی می‌خواهند بغض خودشان را از این طریق بروز بدهند و هر فضیلتی هم که از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) انکار می‌کنند، می‌گویند:

"ما فضایل دیگری هم برای امیرالمؤمنین می‌دانیم، اما این فضیلت را قبول نداریم." حال آن فضایی که به صورت یقین آن را قبول دارند را باید بیایند یک بار توضیح بدهند.

آیا محبت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نشانه حلال‌زادگی است!؟

استاد مطلبی بارها در شبکه گفته شده است، اما دوست داشتیم امشب بیشتر به آن پردازیم و آن هم این است که آیا صحیح است که می‌گویند: محبت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نشانه پاکی ولادت و حلال‌زادگی است یا خیر!؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما در کتب شیعه فراوان داریم که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: زمانی که شما می‌بینید شیرینی محبت ما در قلب شما هست، به مادرتان دعا کنید!!

این روایت به این معناست که شما حلال‌زاده هستید و مادرتان در حق پدرتان خیانت نکرده است. شاید این روایات به درد آقایان اهل سنت نخورد یا برای وهابیت حجت نباشد. من چند روایت از کتب اهل سنت می‌آورم و تقاضا دارم عزیزان خوب به این روایات دقت کنند.

در کتاب «جامع الأصول فی أحادیث الرسول» اثر آقای «مجدالدین أبوالسعادات ابن اثیر جزیری» است. این شخص آقای «ابن اثیر» صاحب «الکامل فی التاریخ» نیست! این دو نویسنده در یک عصر بودند و حدود ۲۵ سال با هم تفاوت داشتند.

ایشان در کتاب «جامع الأصول» روایات «صاح سته» را مخلوط کرده است و مکررات آن را گرفته است.

به طور مثال اگر روایتی در «صحيح بخارى»، «صحيح مسلم»، «سنن ترمذی»، «سنن نسائی»، «سنن ابوداود»،

«سنن ابن ماجه» و ديگر كتب وجود داشت، ایشان يك روایت را نقل کرده است و مابقی را آدرس داده است.

مجموع روایات این کتاب در آخر جلد یازدهم وارد شده است که حدود ۹۸۰۰ می‌رسد. مجموع روایات «صاح سته»

به ده هزار روایت نرسیده است. حال آنکه کتاب «کافی» به تنهایی ۱۶۱۹۹ روایت دارد.

در کتاب «جامع الاصول» جلد هشتم صفحه ۶۵۶، حدیث ۶۴۹۸ روایتی را از «ابوسعید خدری» نقل می‌کند و می‌گوید:

«إِنْ كُنَّا لَنَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ - نَحْنُ مَعَاشِرُ الْأَنْصَارِ - بِيَغْضِهِمْ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ»

به درستی که ما صحابه همواره منافقین را با بغض علی بن ابی طالب می‌شناختیم.

جامع الأصول في أحاديث الرسول؛ المؤلف: مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد الجزري ابن الأثير (المتوفى :

۶۰۶هـ)، تحقيق: عبد القادر الأرئووط، الناشر: مكتبة الحلواني - مطبعة الملاح - مكتبة دار البيان، الطبعة: الأولى؛ ج ۸،

ص ۶۴۹۸، باب علی بن ابی طالب

اگر در خبر کلمه «إِنْ» لام آمد، در حقیقت مخففه از مثقله است. در عبارت «و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين»؛ در

اینجا کلمه «إِنْ» در حقیقت «إِنَّ» است. همچنین کلمه «كان» دال بر استمرار است. سپس در جای دیگری می‌گوید:

«وَمِنْهُ الْحَدِيثُ «كُنَّا نُبْورُ أَوْلَادَنَا بِحُبِّ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ»

النهاية في غريب الحديث والأثر، المؤلف: مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد

الكريم الشيباني الجزري ابن الأثير (المتوفى: ۶۰۶ هـ)، الناشر: المكتبة العلمية - بيروت، ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م، تحقيق:

طاهر أحمد الزاوي - محمود محمد الطناحي، ج ۱، ص ۱۶۱، باب (بُور)

«نبور أولادنا» به چه معناست؟! در جواب این مطلب به سراغ اهل لغت می‌رویم تا ببینیم معنای «نبور» چیست. در کتاب «لسان العرب» جلد چهارم وارد شده است:

«نبور» به معنای «نخبتر» است؛ ما فرزندان خود را امتحان می‌کردیم که آیا از نسل ما هستند یا از نسل دیگران هستند، حلال زاده هستند یا حلال زاده نیستند؟! زمانی که می‌خواستیم آنان را امتحان کنیم، به حب علی بن ابی طالب (علیه السلام) آنان را امتحان می‌کردیم.

همچنین در کتاب «تاج العروس» اثر آقای «زبیدی» جلد دهم وارد شده است:

«(وبارُهُ) یُبورُهُ بَوْرًا: (جَرَبَهُ) واختَبَرَهُ، ومنه الحديث:»

سپس این حدیث را مطرح می‌کند:

«(كُنَّا نَبُورُ أَوْلَادِنَا بِحُبِّ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ)»

زمانی که می‌خواستیم حلال زادگی فرزندان خود را امتحان کنیم، با حب علی بن ابی طالب (علیه السلام) امتحان منی‌کردیم.

تاج العروس من جواهر القاموس، اسم المؤلف: محمد مرتضى الحسينى الزبيدى، دار النشر: دار الهداية، تحقيق:

مجموعة من المحققين، ج ١٠، ص ٢٥٧، باب بور

در کتاب «مناقب» اثر «ابن مردویه» متوفای ۴۱۰ از «امام شافعی» روایتی وارد شده است که ایشان از «مالک» نقل می‌کند.

این روایت «احمد بن حنبل» از «حنابله» از «امام شافعی» رئیس «شافعی‌ها» از «امام مالک» رئیس «مالکی‌ها» نقل شده است. این روایت برای آقایان اهل سنت به منزله «حدیث سلسله الذهب» است. در این روایت وارد شده است:

«قال أنس بن مالك: ما كنا نعرف الرجل لغير أبيه إلا ببغض علي ابن أبي طالب»

انس بن مالک می‌گوید: اگر می‌خواستیم ببینیم فرزندی از نسل پدرش نیست، از بغض او نسبت به علی بن ابی طالب می‌فهمیدیم.

مناقب علی بن ابی طالب (ع) وما نزل من القرآن فی علی (ع)، نویسنده: أحمد بن موسى ابن مردويه الأصفهانی، تحقیق: عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، ص ۷۶، ح ۵۷

در این روایات به صراحت بیان شده است که بغض علی بن ابی طالب (علیه السلام) روشنگر این مطلب است که فرزندی از نسل پدرش هست یا نیست.

مرحوم «علامه امینی» در کتاب «الغدیر» روایتی را نقل می‌کند و می‌نویسد: بعضی از صحابه که شک داشتند فرزندانشان از نسل خودشان است یا نه، آنان را کنار کوچه‌ای نگه می‌داشتند که علی بن ابی طالب از آنجا عبور می‌کرد. زمانی که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از آنجا رد می‌شد، از فرزند خود سؤال می‌کردند که آیا ایشان را دوست داری یا نه!

اگر فرزند می‌گفت: "ایشان را دوست دارم" خاطر جمع می‌شدند که از فرزند از نسل خودش هست؛ اما اگر می‌گفت: "ایشان را دشمن می‌دارم" یقین می‌کردند که این حلال‌زاده نیست. این مطالب در حقیقت کاملاً واضح و روشن است.

من در خدمت شما هستم.

مجری:

حضرت استاد روایتی خواندید که برای من خیلی شیرین بود. بحث حلال‌زادگی برای من خیلی تازگی داشت، زیرا سه نفر از اعظم اهل سنت در آن بودند.

روایت دیگر آن روایتی بود که زمانی که پیغمبر اکرم فرمودند: "ما جزو متقدمین کسانی هستیم که وارد بهشت می‌شویم"، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: محبین ما چه زمانی وارد بهشت می‌شوند؟! حضرت در هر حال به فکر محبین و دوستانشان بوده‌اند!!

ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شرط ورود به بهشت!

آیا در کتب اهل سنت هم این قضیه که شرط ورود به بهشت ولایت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آمده است یا خیر.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در این زمینه روایات زیادی در کتب شیعیان وارد شده است. شاید ما در حد متواتر روایت داریم که شرط ورود به بهشت ولایت علی بن ابی طالب است.

ولایت به دو معناست: «ولایت» و «ولایت»! «ولایت» به معنای حاکمیت و خلافت و امامت است؛ اما «ولایت» به معنای محبت و دوستی است و هر دو شرط است.

به تعبیر آیت الله العظمی خویی (رضوان الله تعالی علیه) اگر برای کسی با ادله ثابت نشود که علی بن ابی طالب خلیفه به حق رسول اکرم بود و امام منصوب و منفوس بوده است، جزو مستضعفین است و فردای قیامت قطعاً مشکلی برای او نخواهد بود.

اگر چنانچه با استفاده از ادله عقلی یا ادله نقلی ثابت شد که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خلیفه رسول گرامی اسلام است و انکار کرد، همانند این است که نماز را انکار کرده است.

همان طوری که محرز شد «ما جاء به الرسول» است، اگر ثابت شد که ولایت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) هم جزو «ما جاء به الرسول» کفر است و مانع ورود این شخص به بهشت خواهد شد.

ما روایات متعددی داریم؛ من یکی دو مورد را عرض می‌کنم و رد می‌شوم. در کتاب «مناقب» اثر آقای «خوارزمی» متوفای ۵۶۸ هجری صفحه ۶۸ وارد شده است که رسول گرامی اسلام به امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«یا علی لو ان عبدا عبد الله عز وجل مثل ما قام نوح فی قومه»

یا علی! اگر بنده‌ای به اندازه‌ای که حضرت نوح در قومش بود عبادت کند.

دوستان این روایت را زیاد از ما شنیدند و من در «شبکه مستقله» هم این روایت را خواندم، اما آقایان هیچ جوابی در برابر آن نداشتند.

«وکان له مثل أحد ذهباً "فأنفقه فی سبیل الله»

و اگر به اندازه کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق کند،

«ومد فی عمره حتی حج الف عام علی قدمیه ثم قتل بین الصفا والمروة مظلوما "»

و خداوند عمرش را به قدری طولانی کند که هزار بار به زیارت خانه خدا پیاده برود و بین صفا و مروه مظلومانه شهید شود،

«ثم لم یوالک یا علی لم یشم رائحة الجنة ولم یدخلها»

اما ولایت تو را نداشته باشد، اصلاً بوی بهشت به مشامش نمی‌رسد و داخل بهشت نمی‌شود.

المناقب، نویسنده: الموفق الخوارزمی، تحقیق: الشیخ مالک المحمودی، ص ۶۸، ح ۴۰

مردمی که در قیامت حاضر می‌شوند، بوی بهشت از هزار سال به مشام آنان می‌رسد؛ اما چنین فردی بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.

به خدا سوگند آقای «خوارزمی» شیعه نبوده است؛ ایشان از علمای بزرگ اهل سنت است. همچنین در کتاب «تاریخ دمشق» جلد ۴۱ صفحه ۳۳۵ وارد شده است:

"پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) انبیاء را از درختان مختلفی آفریده است؛ اما من و علی بن ابی طالب را از یک درخت آفریده است. من اصل درخت هستم و علی فرع آن درخت است، حسن و حسین میوه آن درخت هستند و شیعیان ما ورق‌های این درخت هستند."

هرکسی به یکی از شاخه‌های این درخت دسترسی پیدا کند و از هوای نفس خود را بریء کند از شیعیان ما هستند.

«ولو أن عبدا عبد الله عز وجل بین الصفا والمروة ألف عام ثم ألف عام ثم ألف عام»

اگر بنده‌ای خدا را بین صفا و مروه هزار سال عبادت کند، سپس هزار سال دیگر عبادت کند، سپس هزار سال دیگر هم عبادت کند،

«ولم يدرك محبتنا لأكبه الله على منخریه فی النار»

و محبت ما اهلبيت را نداشته باشد، خداوند عالم او را با سر وارد آتش جهنم می کند.

«ثم تلا (قل لا أسألكم عليه أجرا إلا المودة فی القربى)»

سپس آیه شریفه (قل لا أسألكم عليه أجرا إلا المودة فی القربى) را تلاوت فرمودند.

تاریخ مدینه دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، اسم المؤلف: أبى القاسم على بن الحسن ابن هبة الله

بن عبد الله الشافعى، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵، تحقيق: محب الدين أبى سعيد عمر بن غرامة العمري، ج

۴۱، ص ۳۳۵، ح ۴۸۵۱

در کتاب «مناقب» اثر آقای «خوارزمی» همین روایت وارد شده است. او می نویسد: "اگر بنده ای خدا را هزار سال

میان رکن و مقام عبادت کند و بغض علی را داشته باشد، خداوند او را با سر وارد آتش جهنم می کند."

آقای «جوینی» که استاد آقای «ذهبی» است و متوفای ۷۳۰ است، در کتاب «فرائد السمطين» تعبیر زیبایی دارد. او

می نویسد:

"خداوند عالم در قیامت تمام خلایق اولین و آخرین را جمع می کند و بر بالای جهنم پلی را می گذارد که از مو باریکتر

از و شمشیر برنده تر است."

«لم یجز بها أحد إلا من كانت معه براءة بولاية علی بن أبی طالب علیه السلام»

کسی از آن پل عبور نمی کند مگر اینکه کسی برائت نامه نجات از آتش جهنم با ولایت علی بن ابی طالب

(علیه السلام) را داشته باشد.

فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الأئمة من ذريتهم عليهم السلام؛ حموي جويني، ابراهيم بن

سعد الدين (م ٧٣٠)، مؤسسة المحمود، بيروت، چاپ اول، ١٤٠٠ هـ. ق؛ ج ١، ص ٢٨٩

دوستان علی (علی السلام) واقعاً افتخار کنید!!

هرکس به کسی نازد

ما هم به علی نازیم

خداوند آیت الله کوهستانی را رحمت کند، ایشان می گفتند: خداوند متعال در عالم هستی یک علی داشت و آن را هم به ما شیعیان داده است.

من نمی خواهم این تعبیر را به کار ببرم؛ عزیزان اهل سنت ما هم این چنین هستند، مخصوصاً کسانی که به دنبال تحقیق هستند. در کتاب «الریاض النظرة فی مناقب العشرة» که همان «عشره مبشره» را آورده است، جلد سوم همان تعبیر وجود دارد:

"روی جهنم پلی را درست می کنند که کسی از آن پل نمی تواند عبور کند، مگر اینکه برائت نامه خلاصی از آتش با ولایت علی بن ابی طالب داشته باشند."

در روایتی از امام زین العابدین (علیه السلام) وارد شده است که ایشان می فرمایند: "زمانی که مردم از پل رد می شوند، به قدری درون آتش می ریزند و صدایی از ریختن آنان بلند می شود، همانند اینکه یک مرتبه چند صد پرنده با هم از مکانی بلند شوند."

دوستان عزیز خیلی دعا کنید. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که می فرمایند:

«فَإِنَّ أَمَامَكُمْ عَقَبَةً كَثُودًا وَ مَنَازِلَ مَخُوفَةً مَهُولَةً»

پیشاپیش شما منزل‌های وحشتناک و حوادث تلخی وجود دارد.

«لَا بُدَّ مِنَ الْوُرُودِ عَلَيْهَا وَ الْوُقُوفِ عِنْدَهَا»

باید به تمام منزل‌های خطر ورود پیدا کنید و در آنجا متوقف شوید و مورد سؤال قرار بگیرید.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۲۱، ح ۲۸۷۹ و ۲۸۸۰

«وَ لَسْتَلْنَا الْمُرْسَلِينَ»

انبیاء هم در آنجا مورد سؤال قرار می‌گیرند.

دوستان عزیز و عاشقان اهل بیت، در آنجا جز شفاعت اهل بیت و توسل به ساحت مقدس رسول گرامی اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت چیزی در آنجا به درد ما نمی‌خورد.

باید در همین دنیا رابطه خودمان را با اهل بیت (علیهم السلام) درست کنیم. حتی کار به جایی می‌رسد که انبیاء هم به رسول گرامی اسلام متوسل می‌شوند؛ این روایت در کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» موجود است.

در کتاب «معاد» اثر مرحوم آیت الله العظمی رفیعی قزوینی که استاد امام در فلسفه بودند و از مفاخر شهر قزوین بودند، نقل می‌شود که در یکی از منازل قیامت به قدری کار سخت می‌شود و می‌بینند که از عهده کار بر نمی‌آیند، تمام انبیاء در خانه رسول اکرم جمع می‌شوند. انبیاء و اولیای الهی خطاب به رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) عرضه می‌دارند:

"یا رسول الله! تو اشرف خلایق هستی، تو خاتم پیامبران هستی، تو محبوبترین خلق در نزد خدا هستی، تو مقربترین انسان‌ها در نزد خدا هستی؛ شفاعت کن تا از این منزل ترسناک و وحشتناک به سلامتی عبور کنیم."

جالب است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) جلو می‌افتند و انبیاء الهی هم پشت سرشان در خانه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌آیند. حضرت می‌فرمایند:

"زهرا جان! انبیاء الهی در خانه ما آمده‌اند. برای همچین روزی چه چیزی تهیه کرده‌اید؟! نزد خداوند عالم چه چیزی را واسطه قرار می‌دهی؟!"

صدیقه طاهره (سلام الله علیها) عرضه می‌دارند: "یا اَبَتاه و یا رسول الله! برای چنین روزی دودست بریده فرزندم قمر بنی هاشم کفایت می‌کند. دو دست فرزندم ابوالفضل را پیش خداوند عالم شفیع قرار می‌دهم تا خداوند عالم به انبیاء و مرسلین عنایتی کند."

بنابراین دوستان عزیز قدر ولایت را بدانید، قدر این محبت را بدانید، قدر این عشق را بدانید. شاید ما هم آن طوری که باید قدر ولایت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را نمی‌دانیم؛ همانند ماهی که در داخل آب است و قدر آب را نمی‌داند. ان شاء الله لحظه آخری که چشم ما به جمال نورانی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌افتد، همان طوری که خود ایشان فرمودند:

«یا حارث همدان من یرنی من مؤمن او منافق قبلاً»

ای حارث! هر مؤمن و منافقی که می‌میرد چشمش به من می‌افتد.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، تاریخ وفات مؤلف: ۴۰۶ ق مترجم: دشتی، محمد، ص ۶۱۱،

پاورقی (نامه به حارث همدانی)

علی جان! آن لحظه‌ای که چشم ما به جمال نورانی شما می‌افتد و ما می‌دانیم عزیزترین شخص در نزد شما حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است؛ در این شب ماه مبارک رمضان تو را به حضرت زهراى مرضیه قسم می‌دهیم. یا امیرالمؤمنین! شما را به آن بانوی پهلو شکسته و غم دیده قسم می‌دهیم که لحظه آخر عمرمان عنایت ویژه‌ای به ما داشته باشید و شب اول قبر عنایتی ویژه به ما داشته باشید و ما را در صحنه محشر مورد عنایت ویژه خودت قرار بده.

مجری:

حضرت استاد از شما ممنونم؛ سؤال بعدی که می‌خواهم بپرسم مقداری از وقت ما را خواهد گرفت. اجازه بدهید سراغ تماس‌های تلفنی برویم و ان‌شاءالله در جلسات آینده سؤالات بعدی را مطرح خواهیم کرد.

از همراهی شما بینندگان عزیز و ارجمند ممنونم، میان برنامه‌ای می‌بینیم و برمی‌گردیم در خدمت شما خواهیم بود و تماس‌های شما را می‌شنویم. اگر سؤالی داشتید، بخصوص در موضوع برنامه و آقا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) حتماً مطرح کنید.

ان‌شاءالله از دیدن این ویژه‌برنامه تا اینجا استفاده برده باشید. با ما همراه باشید.

تماس بینندگان برنامه:

عرض سلام مجدد خدمت شما خوبان، بینندگان عزیز «شبکه جهانی ولایت». سراغ اولین تماس می‌رویم، آقا رسول از دهلران از عزیزان اهل سنت ما هستند. آقا رسول سلام علیکم و رحمة الله:

بیننده (آقا رسول از دهلران – اهل سنت):

سلام عليكم و رحمة الله حاج آقا قزوینی بنده رفیق شما حاج رسول از دهلران هستم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

موفق و مؤید باشید حاج رسول عزیز.

بیننده:

خدمت شما سلام عرض می‌کنم، طاعات شما قبول باشد. همچنین خدمت مجری محترم که اسم ایشان را هم نمی‌دانم سلام عرض می‌کنم.

آقای قزوینی من خیلی می‌خواستم خدمت شما تماس بگیرم، اما جواب نمی‌دادند. در این روزهای آخر ماه مبارک رمضان توفیقی داشتم تا امشب خدمت شما تماس بگیریم.

حاج آقا قزوینی من یک سؤال از محضر شما داشتم. من خیلی شب‌ها زود می‌خوابم، اما دیشب نوه‌هایم پشت کامپیوتر برنامه‌ای را مشاهده می‌کردند. من صبح از آن‌ها پرسیدم چه چیزی می‌دیدید؟

مجری:

مناظره بوده است.

بیننده:

بله. آن‌ها برنامه‌ای برای من گذاشتند و گفتند: بین اهل سنت و تشیع مناظره‌ای صورت گرفته است. ما که روزه بودیم و بیکار هم بودیم این برنامه را گوش کردیم و مطالبی از آن متوجه شدم که حالا خدمت شما عرض می‌کنم که اگر آقای قزوینی توضیح بدهند ممنون هستم.

سؤالى كه فراوان در اين مناظرات مطرح شد اين است. البته قبل از بيان سؤالاتم عرض كنم كه ما اهلبيت را هم دوست داريم؛ زيرا آنان هم صحابه رسول گرامى اسلام (صلى الله عليه و آله وسلم) بودند.

چرا شما در كتب شيعه حديث صحيح درباره سند حديث ثقلين نداريد؟! ما عرض كرديم: اهلبيت (عليهم السلام) را هم دوست داريم، اما شما كه ادعاى علم و سواد مى‌كنيد كه سند حديث ثقلين صحيح باشد.

مجري:

آقا رسول شما مناظره را كامل گوش داديد؟

بيننده:

من دو بار اين مناظره را به صورت كامل گوش دادم.

مجري:

خدا خيرتان بدهد، تواتر اين حديث از دیدگاه شيعه و اهل سنت ثابت شد يا نشد؟!

بيننده:

خواهش مى‌كنم شما خيلى وارد حرف من نشويد و بگذاريد من حرفم را بزنم.

مجري:

من يك سؤال پرسيدم: تواتر ثابت شد يا نشد؟

بيننده:

اصلاً علمای اهل سنت هم این تواتر را بیان کردند.

مجری:

احسنت، مرحباً.

بیننده:

سؤال من این است که در کتب شیعیان آیا حدیث صحیحی در رابطه با حدیث ثقلین داریم یا خیر؟!

مجری:

پس شما قبول دارید که این روایت متواتر است؟! من همین را فقط می‌خواهم بدانم. قبول دارید که این روایت نزد شیعه و سنی متواتر است یا نه؟!

بیننده:

بله. من خدمت شما عرض کردم که علمای اهل سنت این مطلب را بارها بیان کردند. در فایلی که بنده گوش کردم طرف شیعه که مناظره می‌کرد، مطالبی را بیان کرد و علمای اهل سنت را هم قبول دارم. حرف من این است که شما برای من کم سواد ثابت کنید، یک حدیث صحیح بیاورید.

مجری:

پس تواتر ثابت شد و تواتر فوق صحت است. حالا می‌خواهید به عنوان یک روایت صحیح ببینید یک روایت یا دوتا داریم یا نه؟!

بیننده:

بله، یک روایت صحیح هم برای من بیاورید، برای من کافی است. مورد بعد این است که من مطلبی را به آقای قزوینی عرض کنم.

آقای قزوینی من نمی‌دانم برادری که از طرف اهل سنت که شما می‌فرمایید: "این افراد وهابی هستند"; چه کسی بود و از کجا آمده بود. من جسارت نمی‌کنم، اما شاید این شخص شیعه بود و خودتان او را درست کرده بودید و می‌خواستید یک بازی سر اهل سنت در بیاورید.

مجری:

آقا رسول عزیز یک لحظه توجه کنید. قبلاً که «استاد عباسی» با «آقای سجودی» مناظره داشتند، شبکه وهابی «کلمه» گفت: این آقا با لباس شخصی آمده و کارشناس اصلی ما نیست!

در مناظراتی دیگری که انجام شد، گفتند: این افراد اصلی ما نبوده‌اند. دوباره شیعیان در فضای مجازی مناظره می‌کنند، اما می‌گویند: این طرف که ما فرستادیم خیلی شخص ماهری نیست.

الان هم که مناظره شده است و یقین دارم که خود شما می‌دانید نتیجه مناظره چه چیزی بود که ان شاء الله سه مناظره دیگر هم برگزار شود آن زمان می‌بینید مجموع مناظرات به کجا خواهد رسید؛ خواهید دید که چه آبروریزی برای وهابیت به بار خواهد آورد.

آن زمان هم خواهید گفت: این نماینده‌ای که ما فرستادیم معلوم نبود شاید اصلاً شیعه باشد. الان شما دارید می‌گویید: شاید شیعه بوده است!

اگر این شخصی که به عنوان اهل سنت سنت یا وهابی آمده بود شیعه باشد، چرا بقیه آقایان وهابی به عنوان شخصی که او را برای مناظره بفرستند، تأیید کردند؟! شما فقط بگویید این شخص نتوانست جواب بدهد و دیگر در موضوعات دیگر تشکیک نکنید.

آقا رسول! واقعاً به نظر من این درست نیست، اگر توضیحی دارید باز هم بفرمایید و بعد حضرت استاد توضیحاتی خواهند داد.

بیننده:

آقای مجری من نمی‌خواستم این طوری حرف بزنم، اما شما من را مجبور می‌کنید که یک حرف‌هایی بزنم که خلاصه شاید خیلی خوشتان نیاید و شاید بدتان بیاید.

اگر شما می‌خواهید مناظره کنید چرا بزرگان و علما و کارشناسان دینی ما را در کردستان دعوت نمی‌کنید؟! چرا از افرادی امثال «مولوی» و «شیخ الاسلام عبدالحمید» را برای مناظره دعوت نمی‌کنید؟!

اگر شما می‌خواهید حق و باطل روشن شود و اگر می‌خواهید مسائل علمی روشن شود چرا با این افراد مناظره نمی‌کنید؟! شما با فردی که خودتان آن را درست کردید و آمده و معلوم نیست چه حرف‌هایی می‌زند مناظره می‌کنید.

اگر می‌توانید و اگر توان علمی دارید و اگر توانایی پاسخگویی به مولوی‌ها و ماموستاهای ما را بدهید، با علمایی نظیر «شیخ الاسلام عبدالحمید» و «مولوی گرگیج» مناظره کنید. این افراد علمای ما هستند، نه کسی که من نمی‌شناسم.

آقای قزوینی امیدوارم هم در مورد سند «حدیث ثقلین» و هم در مورد مطلبی که بیان کردم توضیحاتی بفرمایید.

مجری:

چشم هم در مورد سند حدیث ثقلین و هم در مورد افرادی که برای مناظره دعوت می‌کنیم و شما بعد از آن می‌فرمایید که این افراد از شیعیان هستند، استاد مطالبی بیان خواهند کرد.

بیننده:

آقای حسینی علمای اهل سنت باسواد هستند. علمای اهل سنت بحر علم هستند، دریای علم هستند.

مجری:

آقا رسول کسی که دیشب از طرف اهل سنت مناظره کرد، بی‌سواد بود؟!

بیننده:

ایشان هم خیلی قشنگ صحبت کردند، اما حالا علمای ما بهتر از این هستند.

مجری:

چشم در این خصوص توضیحاتی بیان خواهد شد.

بیننده:

التماس دعا، خداحافظ.

مجری:

موفق باشید، خدا یار و نگهدارتان. تماس بعدی جناب آقای موسوی از خوزستان هستند. آقای موسوی سلام علیکم و

رحمة الله:

بیننده (آقای موسوی از خوزستان - شیعه):

سلام عرض می‌کنم خدمت شما آقای حسینی و دکتر قزوینی. ان شاءالله طاعات و عبادات شما و همه مسلمانان و دوستداران علی بن ابی طالب (علیه السلام) مورد قبول حق واقع شده باشد.

خدمت استاد عارضم که «ابن تیمیه» متأسفانه هرجایی که در مورد علی بن ابی طالب (علیه السلام) صحبت شده است، خلفا را بالاتر قرار دارد و آن هم به علت دشمنی است که او با آن حضرت دارد.

من در این چند روزی که کتاب‌های او را مرور می‌کردم، مشاهده کردم که هرجایی در مورد علی بن ابی طالب (علیه السلام) صحبت شد، خلفا را بالاتر قرار داده است و می‌گوید:

"چرا شیعه می‌گوید: علی بن ابی طالب این شخصیت بزرگوار را داشته است" و ما هم می‌گوییم: نه، آن‌ها بالاتر هستند؛ زیرا زمانی که علی بن ابی طالب ایمان آورده است، در سن نوجوانی بوده است و این افراد از لحاظ سنی بالاتر بودند و علم و ایمانشان بیشتر بوده است.

هرجا که دروغی از این شخص ثابت شد، متأسفانه شبکه‌های وهابی می‌گویند: اشتباه کرده است؛ انسان جایز الخطاست و می‌تواند اشتباه کند. پس چرا در جایی که یک کلمه از علمای ما جا مانده یا اصلاً کاملاً نمی‌خوانند، چرا آن‌ها را اشتباه خطاب نمی‌کنند؟!

این افراد اگر خطایی از علمای شیعه ببینند هزاران حرف نامربوط که حق خودشان است، به علمای ما می‌زنند. آیا برادران اهل سنت دقت کرده‌اند که هنگامی که دروغی از «ابن تیمیه» یا علمای وهابیت ثابت می‌شود آن را به حساب اشتباه می‌گذارند؟!

علمای شیعه الحمدلله اشتباه نداشتند، برفرض هم یک کلمه کم و زیاد باشد یا متنی را کامل نخوانند، علمای ما را جزو معصومین قرار می‌دهند که حق اشتباه ندارند. نمی‌دانم چرا برادران اهل سنت به این مطالب دقت نمی‌کنند؟! چطور می‌شود هر زمانی اسم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) وسط می‌آیند، این افراد اسم خلفا را بالاتر قرار می‌دهند. چه دلیلی دارد؟!

خلفا هر چیزی که دارند برای خودشان دارند و ما کار نداریم؛ اما زمانی که نام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌آید چرا باید کسی بالای سر ایشان قرار بگیرد؟! مگر پیغمبر اکرم نفرمودند: نفس من علی است! مگر نفرمودند: علم با علی است و علی با علم است!

«ابوهریره» حدیثی می‌گوید و خلفا را چنان بالا قرار می‌دهد و می‌گوید: پیامبر گفته است که اگر پیامبری بعد از من می‌بود حتماً خلیفه دوم بود!! نمی‌دانم چرا سند حرف این افراد را نمی‌آورند؟!

چرا برادران اهل سنت پیگیر این قضیه نمی‌شوند که بگویند سند این روایت کجاست؟! چه دلیلی دارد که سند این روایت را بیان نمی‌کنند؟!

از برنامه‌های خوبتان ممنونم و خدمت استاد گرامی هم خسته نباشید عرض می‌کنم. استاد بزرگوار واقعاً به شما فخر می‌فروشیم؛ نمی‌دانم چطور صحبت‌هایم را بیان کنم، اما انصافاً زمانی که پشت تریبون قرار می‌گیرید وهابیت به دلهره می‌افتند.

خوشحال می‌شویم که شما را همیشه سرحال و سلامت ببینیم. ان‌شاءالله همیشه خار چشم وهابیت و گل محمدی ما باشید. اگر امری هست من در خدمتم.

مجری:

زنده باشید، عرضی نیست، جناب آقای موسوی عزیز خدا یار و نگهدار شما باشد. من از تماس‌های بعدی از قبیل آقای حنایی از تهران و آقا علی از اهواز و دیگران عذرخواهی می‌کنم.

به دلیل اینکه فرصت محدود است و حدود ۱۲ دقیقه فرصت داریم، می‌خواهیم به پاسخ‌ها برسیم.

آقا رسول از دهلران به مناظره‌ای که دیشب انجام شد اشاره داشتند و گفتند: آیا شیعه با اینکه ادعا دارد، برای «حدیث ثقلین» حدیث صحیحی دارد یا نه؟! ایشان هرچند که اعتراف هم کردند که دیشب تواتر «حدیث ثقلین» ثابت شد، اما گفتند: حدیث صحیح می‌خواهیم!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

من این مطلب را هم خدمت عزیزان عرض کنم که این افراد مرتب داشتند شعار می‌دادند که ما می‌خواهیم برویم با کارشناسان «شبکه جهانی ولایت» مناظره کنیم.

اولاً «شبکه جهانی ولایت» نه قراری با این افراد داشتند و نه اعلامی داشتند. این افراد برای اینکه خودشان را مقداری بزرگ کنند و توجیهی برای شکست خودشان داشته باشند این حرف‌ها را می‌زنند.

من چندی پیش مطلبی در سایت دیدم که بچه‌ها آن را گذاشته بودند و آن این است: "گره جلوی آینه خود را شیر می‌بیند!"

مجری:

کامنت یکی از آقایان را هم گذاشته بودند که گفته بود با «شبکه جهانی ولایت» مناظره می‌کنیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

گروه پرچم «ندای توحید» اهل سنت که البته اهل سنت نیستند، بلکه وهابیت هستند و از نوادگان «ابن تیمیه» هستند. ایشان اصلاً در حدی نیستند که با ما مناظره کنند.

ما خودمان را خیلی کوچک کردیم و گفتیم: آقای «خدمتی» بیاید، زیرا حداقل سنخیتی داریم. آدم اصلاً حیفش می‌آید که اسم آنان را ببرد. همانند «عبدالرزاق صنعانی» که گفت:

«لا تقدر مجلسنا بذكر ولد أبي سفیان»

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة -

بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ج ۹، ص ۵۷۰، ح ۲۲۰

ما هم نمی‌خواهیم ذهن عزیزانمان را با ذکر اسامی این افراد آلوده کنیم. اگر این افراد راست می‌گویند و نمی‌توانند با ما مناظره کنند، بیایند با کارشناسان دیگر یا با افرادی که «ندای شیعه» یا در جاهای دیگر هستند، مناظره کنند.

الحمد لله شیر بچه‌های شیعه در تمامی عرصه‌ها حضور دارند، من بعضی وقت‌ها بعد از نماز صبح فرصتی پیدا می‌کنم و به فضای مجازی سر می‌زنم می‌بینم بچه‌ها خوب کار می‌کنند و این جوجه وهابی‌ها را آنچنان در مخمصه قرار می‌دهند که جز فحش چیز دیگری ندارند.

فحاشی‌های این افراد به قدری رکیک است که واقعاً انسان خجالت می‌کشد این مطالب را بیان کند. در رابطه با قضیه «حدیث ثقلین» اگر دوستان در خود سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» عبارت «ثقلین» و «شیعه» را جستجو کنند مطالب فراوانی یافت می‌شود.

من همینجا از همین طریق جستجو می‌کنم و مورد دوم را می‌آورد. ما در تاریخ ۱۳۹۱/۰۱/۱۶ این مطلب را در سایت گذاشتیم و نزدیک ۶ هزار نفر هم از این مطلب بازدید کردند. ما پنج روایت با بررسی سندی آوردیم.

اگر این آقایان مرد هستند، بیایند این روایت‌هایی که ما بررسی سندی کردیم را تضعیف کنند. از اینکه بیایند زباله را با مزبله اشتباه بگیرند، ما می‌گوییم ضعیف است و در آن شکی نیست.

اگر متواتر ضعیف را ملاک قرار بدهند یا مثل «ذهبی» بگویند: «[یشهد القلب أنه باطل](#)» با آن‌ها کاری نداریم. اگر دوستان بیایند نه یک روایت، بلکه ۵ روایت صحیح ما در سال ۱۳۹۱ روی سایت گذاشتیم تا آن‌ها ببینند.

این آقایان می‌گویند: ما چند سال است که اعلام کردیم یک روایت صحیح بیاورید. ما به جای یک روایت، پنج روایت ما آوردیم و قبلاً هم ۴۰ روایت در سایت با سند صحیح در رابطه با امامت ائمه طاهرين (عليهم السلام) گذاشتیم.

الآن حدود ۱۰۰ روایت بررسی سندی شده در امامت ائمه طاهرين (عليهم السلام) داریم. این دیگر فوق تواتر است، به علاوه ما تواتر را هم در اینجا آوردیم.

صفحه سایت را مشاهده کنید که ما تواتر را از قول آقای «ابوالقاسم کوفی» متوفای ۳۵۲ آوردیم، تواتر از «شیخ صدوق» آوردیم، تواتر از «شیخ مفید»، تواتر «حدیث ثقلین»، «سید مرتضی»، «ابوالصلاح حلبی»، «شیخ طوسی»، «مرحوم طبرسی»، «ابن ادریس حلی».

همچنین علمایی از قبیل «شهید اول»، «مرحوم آملی»، «مرحوم استرآبادی»، «مرحوم مجلسی»، «ملاً محمد صالح مازندرانی»، «محمد طاهر قمی» و همچنین تعداد ۲۴ نفر از بزرگان ما تواترشان را مطرح کردند و گفتند: حدیث ثقلین متواتر است.

حال چقدر از بزرگان اهل سنت تواتر «حدیث ثقلین» را اثبات کردند، جای خود دارد.

مجری:

دیشب هم در مناظره به طور مفصل توضیح دادند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله دیشب بخشی را ملاحظه می‌کردم و دیدم که ایشان هم آورده است. در موارد متعددی از جمله کتاب «سیوطی» و دیگران وارد شده است که گفتند: «حدیث ثقلین» از دیدگاه ما متواتر است.

این آقایان به دنبال یک حدیث صحیح می‌گردند، حال آنکه ما بحث تواتر را مطرح کردیم. این آقایان همانند فردی است که ۲۰ تومان پول از دیگری درخواست کند و او ۱۰۰۰ تومان به او پول بدهد. این شخص بگوید: ۲۰ تومان بده و او در جواب بگوید: هزار تومان پول دادم.

مشخص است که این فرد تشخیص نمی‌دهد که هزار تومان چندین برابر ۲۰ تومان است. زمانی که می‌گوید: "روایت متواتر است"؛ دیگر شیعه و سنی معتقد هستند که در روایت متواتر بحث سندی دیوانگی است.

به عنوان مثال شما روایت متواتری را ثابت کنید، سپس بگویید: راویان این روایت چه کسانی هستند! همانند اینکه شما کنار دریایی از آب باشید و بگویید: این آب قلیل است؟! در این آب نجاست را سه مرتبه آب بکشم یا یک مرتبه آب بکشم؟! مردم به عقل شما می‌خندند.

در کتاب «توجیه النظر إلى أصول الأثر» اثر «طاهر بن صالح جزائری» تعبیر متواتر به این صورت بیان شده است. او می‌نویسد:

«أَنَّ الْمُتَوَاتِرَ لَا يَبْحَثُ فِيهِ عَنِ رُؤَاةِ»

حدیث متواتر از روای آن بحث نمی‌شود،

«بل يجب العَمَلُ بِهِ من غير بحث»

زیرا بدون اینکه بررسی سندی بشود، به متواتر عمل می‌کنند.

توجیه النظر إلى أصول الأثر، المؤلف: طاهر بن صالح (أو محمد صالح) ابن أحمد بن موهب، السمعوني الجزائرى، ثم
الدمشقي (المتوفى: ۱۳۳۸ هـ)، المحقق: عبد الفتاح أبو غدة، الناشر: مكتبة المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الأولى،

۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۵ م، ج ۱، ص ۱۳۹

آقایان جوجه وهابی و پیروان «ابن تیمیه» دقت کنید که متواتر یقین آور است و خبر واحد ظن آور است. همچنین در
کتاب «التقييد والإيضاح شرح مقدمة ابن الصلاح» اثر آقای «زین الدین عراقی» است.

آقایان می‌گویند: اهل سنت عیال کنار سفره چهار نفر بودند؛ «ذهبی»، «ابن حجر»، «المزی» و «زین الدین عراقی». این
شخص جزو چهار شخصیت و از ارکان اهل سنت است. ایشان در این کتاب می‌گوید:

"وقتی روایت به تواتر رسید، اصلاً عدالت در آنجا شرط نیست. شما می‌توانید هزار نفر افراد فاسق و غیر عادل آنجا
بیاورید و مطرح کنید."

همچنین آقای «ابن تیمیه حرانی» خدا و پیغمبر وهابیت در کتاب «مجموع الفتاوی» جلد ۱ روایتی دارد. این کتاب را
خائن الحرمین شریفین «ملک فهد» این کتاب را چاپ کرده است. در این کتاب وارد شده است:

«العلم الحاصل عقب الخبر تارة يكون لكثرة المخبرين وإذا كثروا فقد يفيد خبرهم العلم وإن كانوا كفارًا»

علمی که بعد از شنیدن یک روایت به دست می‌آید یا به خاطر زیادی گزارش کنندگان است که وقتی گزارش
زیاد شد مفید علم خواهد بود. اگر چه گزارش دهندگان کافر باشند.

مجموع الفتاوى، المؤلف: تقى الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی (المتوفى: ۷۲۸ هـ)، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية، عام النشر: ۱۴۱۶ هـ/ ۱۹۹۵ م، ج ۱، ص ۳۲۴

او به صراحت می‌گوید: در روایت متواتر اگر ناقلین کافر هم باشند، مسئله اثبات می‌شود. همچنان آقاي «البانی» که «بخاری» دوران است، در کتاب «ارواء الغلیل» جلد ۶ می‌گوید:

«ولا يشترط في الحديث المتواتر سلامة طرقة من الضعف»

در روایت متواتر لازم نیست که روایت ضعیف نباشد، ولو تک تک راویان هم ضعیف باشد، تواتر ثابت است.

إرواء الغلیل فی تخريج أحاديث منار السبیل، المؤلف: محمد ناصر الدين الألبانی (المتوفى: ۱۴۲۰ هـ)، إشراف: زهير الشاويش، الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الثانية ۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۵ م، ج ۶، ص ۹۵، باب ۱۶

آقاي «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «تخلیص الحبیر» جلد چهارم صفحه ۸۳ می‌گوید:

"این روایت متواتر است، سپس در ادامه می‌گوید: «احمد» نقل کرده است که این روایت از ۲۸ طریق آمده است که هیچکدام از این طرق صحیح نیست."

این روایت ۲۸ طریق دارد و تمام این سندها ضعیف است، اما متواتر است. شما حداقل بروید کتب خودتان را مطالعه کنید؛ ما از شما درخواست نکردیم که کتب شیعیان را ملاحظه کنید.

زمانی که شما می‌گویید: "روایت متواتر را قبول ندارم"، همین ادعا باعث کفر شما است. طبق فتوای «ابن تیمیه» شما کافر هستید!!

در کتاب «مجموع فتاوی» اثر «ابن تیمیه» جلد اول صفحه ۱۰۹ وارد شده است:

«وَأَمَّا مَنْ أَنْكَرَ مَا ثَبَتَ بِالتَّوَاتُرِ وَالْإِجْمَاعِ فَهُوَ كَافِرٌ»

اگر کسی حدیث متواتر را منکر باشد، کافر است.

مجموع الفتاوی، المؤلف: تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی (المتوفی: ۷۲۸ هـ)، المحقق:

عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية

السعودية، عام النشر: ۱۴۱۶ هـ/ ۱۹۹۵ م، ج ۱، ص ۱۰۹

ما نمی دانیم چکار کنیم؟! به ضعف علمی شما تأسف بخوریم، به این دلیل اینکه حدیث متواتر را زیر سؤال می برید،

به این دلیل که خبر صحیح را نقض می کنید، یا اینکه خدای شما کفر شما را ثابت کرده است، تأسف بخوریم؟!

در کتاب «فتاوی الهندیه» جلد ۱۷ صفحه ۱۵۸ به صراحت می گوید:

«وَمَنْ أَنْكَرَ الْمُتَوَاتِرَ فَقَدْ كَفَرَ»

الفتاوی الهندیة [حنفی]، المؤلف: لجنة علماء برئاسة نظام الدين البخی، ج ۱۷، ص ۱۵۸

حداقل این مطلب را در نظر بگیرید که آقای «بن باز» در کتاب «فتاوی نور علی الدرب» در مورد احادیث مهدویت

می گوید: این روایات با تواتر ثابت شده است و انکار آن نشانه کفر و ضلالت است.

از این بهتر و واضح تر بیان کنیم؟! من نمی دانم به چه زبانی با این افراد بحث کنیم؟! حرف آقای «ذهبی» را نسبت

به وهابیت و اتباع «ابن تیمیه» بیان کنیم و هدیه ما به طرفداران «ابن تیمیه» که مدام «شیخ الاسلام» می گویند.

در کتاب «السيف الصقيل» آقای «ذهبی» نامه‌ای به «ابن تیمیه» نوشته است که اثر «الامام الحجة تقی الدین سبکی» است. در این کتاب وارد شده است:

«فهل معظم أتباعك إلا قعيد مربوط خفيف العقل, أو عامی كذاب بليد الذهن»

همچنین در کتاب «وهابیت از منظر عقل شرع» که تألیف خود بنده است و در این سه سال حدود ۴۰ بار تجدید چاپ شده است و حدود ۲۰۰ هزار نسخه از این کتاب به چاپ رسیده است. در صفحه ۸۲ این کتاب وارد شده است:

«يا خيبة من اتبعك فإنه معرض للزندقة»

ای بیچاره آنان که از تو متابعت می‌کنند در پرتگاه زندقه و کفر و نابودی به سر می‌برند.

این حرف «ذهبی» نسبت به اتباع «ابن تیمیه» است.

«فهل معظم أتباعك إلا قعيد مربوط خفيف العقل, أو عامی كذاب بليد الذهن, أو غريب واجم قوی المکر أو

ناشف صالح عدی ام الفهم؟ فإن لم تصدقنی ففتشهم وزنهم بالعدل»

عمده پیروان تو عقب مانده، گوشه گیر، سبک عقل، عوام، دروغ گو، کودن، بیگانه، فرومایه، مکار، خشک، ظاهر

الصلاح و فاقد فهم هستند. اگر سخن مرا قبول نداری امتحان کن.

السيف الصقيل في الردّ على ابن زنجفيل، المؤلف: الإمام المجتهد تقی الدین أبی الحسن علی بن عبد الكافی السبکی

الأنصاری الشافعی (۶۸۳ - ۷۵۶ هـ)، ج ۱، ص ۱۴۱

مجری:

استاد ما امتحان کردیم، واقعاً همینطور بوده است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما امتحان کردیم به همین صورت بوده است. مردم شما هم امتحان کنید و در شبکه‌ها و سایت‌ها و فضای مجازی این افراد بروید و ببینید حرف آقای «ذهبی» با این‌ها تطبیق دارد یا تطبیق ندارد؟!

مجری:

حضرت استاد از شما متشکریم. فرصت ما گذشته است اما می‌گویند: چرا با یک سری افرادی مناظره می‌کنند که اصلاً معلوم نیست چکار هستند و چه می‌گویند. البته ایشان تعبیرشان این بود که شاید خودتان طرف مقابل را آوردید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما آمادگی داریم، اما گفتیم: فعلاً با توجه به جو حاکم به هیچ وجه حاضر نیستیم با اهل سنت مناظره کنیم. با این افراد گفتگوی دوستانه داریم، اما مناظره نمی‌کنیم.

با تک تک وهابیت و امثال آقای «گرگیچ» که ایشان مطرح کردند که شخص سرشناس وهابی است؛ بیایند زیرا ما آماده مناظره هستیم. من حاضرم در مسجد بروم و با ایشان مناظره کنم.

ایشان هرجایی که بخواهند، حتی بالای کوه دماوند حاضرم بروم و با ایشان مناظره کنم.

مجری:

اگر اجازه ضبط و پخش بدهند!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اگر بالای کوه دماوند هم باشد ما به صورت زنده پخش می‌کنیم و هیچ مشکلی هم نداریم. به حول قوه الهی ما برنامه را از همانجا پخش می‌کنیم؛ ما با این افراد هیچ مسئله‌ای نداریم.

ما در رابطه با اختلافات شیعه و سنی هیچ مشکلی نداریم و اهل سنت را برادران خودمان می‌دانیم؛ اما وهابیت را مکفر سنی و شیعه و دشمن اسلام و بشریت می‌دانیم، مخصوصاً وهابیت تکفیری!!

این افراد اسم خودشان را «وهابی»، «سلفی» یا هرچیز دیگری می‌خواهند بگذارند؛ اما اگر کسی «ابن تیمیه» را به عنوان «شیخ الاسلام» قبول کند، ما او را دشمن اسلام و دشمن قرآن و بشریت می‌دانیم. سرمنشأ تمام ناامنی‌های امروز دنیا به «ابن تیمیه» برمی‌گردد.

مجری:

آقای موسوی از خوزستان هم در مورد «ابن تیمیه» مطالبی بیان کردند که به صورت مفصل توضیحاتی فرمودید. ایشان گفتند: رسانه‌های وهابی زمانی که دروغ ابن تیمیه را پیرسیم، می‌گویند اشتباه کرده است؛ اما اگر اشتباه ریزی از جایی بخواهند پیدا کنند و با تقطیع پخش کنند می‌گویند: این دروغی از جانب مخالفین ماست.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

شیعیان اگر اشتباه کنند کفرشان ثابت است و جانشان باید گرفته شود و خونشان هدر است و تصرف اموالشان جایز است؛ اما اگر خودشان اشتباه کنند، می‌گویند: ما معصوم نیستیم.

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی محمد و آل محمد فرج مولای ما امام زمان نزدیک بگردان، خدایا به حق محمد و آل محمد ما را از یاران ویژه آن بزرگوار قرار بده، رفع گرفتاری از گرفتاران بنما، حوائج حاجت‌مندان روا نما.

خدایا به حق محمد و آل محمد حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز
مخصوصاً حوائج ولایت یاوران به ویژه حوائج مورد نظر همه را برآورده نما، دعاهاى ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مجری:

ممنونم از شما حضرت استاد و متشکرم از بینندگان عزیز، التماس دعا دارم.

یا علی مدد، خدانگهدار